Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.11 (6); 2018, 5-30

دو فصلنامهٔ **نظریه و عمل در برنامهٔ درسی**
سال ششم، شمارهٔ ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ۳۰-۵

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی [۱]

The Experience of Elementary Male Students from Descriptive Assessment

دل‌آرام محمدی[۲]، دکتر اسکندر فتحی آذر[۳]، دکتریوسف ادیب[۴]

D. Mohammadi, E. FathiAzar (Ph. D), Y.Adib (Ph.D)

چکیده: در این پژوهش تجارب عمیق دانش‌آموزان پسر پایه های چهارم و پنجم ابتدایی از اجرای طرح سنجش توصیفی به شیوه‌ی کیفی و از نوع پدیدارشناسی بررسی شد. با توجه به ماهیت پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که با مصاحبه عمیق ۹ دانش‌آموز، داده‌های اخذ شده به اشباع رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده علاوه بر تحلیل دستی داده‌ها به روش اسمیت، از نرم‌افزار MAXQDA10 به عنوان یک شیوه کمکی در وارد کردن داده‌ها استفاده شد. یافته‌های حاصل از تجارب این افراد در ۵ مضمون اصلی"ادراک مثبت از سنجش توصیفی"، "ادراک منفی از سنجش توصیفی"، "مناسب پایه‌های پایین"، "متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف" و " مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف" و چندین مضمون فرعی خلاصه شد.این یافته‌ها می‌توانند تصویری گویااز چگونگی برنامه توصیفی در حال اجرا، معایب و مزایای آن در اختیار مسوولین و برنامه‌ریزان قرار دهد. تا در جهت رفع اشکالات و بهبود، حذف یا جایگزینی این طرح اقداماتی انجام دهند.

واژگان کلیدی : سنجش توصیفی، پدیدارشناسی، تجارب دانش‌آموزان ابتدایی

Abstract This study was conducted with aim of investigating profound experience of elementary male students in the fourth and fifth grades from the descriptive assessment. To this purpose, the method qualitative and phenomenological methods were employed to address the research questions. The purposeful sampling was used with regard to the nature and objectives of the study. The collected data were saturated by interviewing with 9 students. The final data were analyzed by Smith's Analysis Method and MAXQDA10 software and the obtained results were summarized and categorized as 5 themes and several subthemes. These themes included: "positive perception of descriptive assessment", "negative perception of descriptive assessment", "appropriate for bottom grades" pleasant for lazy students parents "and" harmful for lazy students". The findings of this study could guide authorities to examine the conditions of descriptive assessment, as well as the advantages and disadvantages. This could encourage and facilitate the attempts toward improvement and solving the current problems for eliminating or replacing this method.

Keywords: descriptive assessment, elementary students experience

---

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "تجارب دانش‌آموزان ابتدایی از ارزشیابی توصیفی" است.
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶

۲. دانشجوی دکتری رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز ، رایانامه : delarammohamadi23@gmail.com
۳. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، رایانامه : e-fathiazar@tabrizu.ac.ir
۴. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، رایانامه : yousef_adib@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین فرآیند یادگیری آن است که فراگیران در جریان یادگیری احساس مسئولیت کنند. برای برآورد چنین امری سوق دادن آنها به خودارزیابی ضروری است. چنانچه کاستا وکالیک هدف نهایی آموزش را تربیت دانش‌آموزانی می‌دانند که بتوانند هر زمان که لازم باشد خودشان را سنجش کنند. و اگر دانش‌آموزان هنگامی که فارغ-التحصیل می‌شوند، در تشخیص خوب و بد و حل مسائل روزمره زندگی خود به نظر دیگران متکی باشند؛ تمام مقوله‌های آموزشی زیرسوال می‌رود، در این‌صورت اهداف عالی آموزش نادیده گرفته می‌شود. پس سنجش جز مهم و اصل فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می‌گردد که معمولا به دو صورت تراکمی(امتحانات پایانی) و تکوینی(مرحله‌ای) انجام می‌گیرد. سنجش تکوینی در طول دوره آموزشی و در پایان هر واحد درسی به منظور سنجش میزان دستیابی به اهداف آن واحد درسی اجرا می‌شود که هدفش بررسی نقایص یادگیری دانش‌آموزان و اصلاح آنها است. که موجب شناسایی به موقع افراد ضیف شده و فرصت عالی برای مداخله را فراهم می‌کند(ادوارد و پائول[1]، ۲۰۱۷). ولی در سنجش تراکمی آموخته‌های دانش‌آموزان در پایان یک دوره آموزشی مورد سنجش قرار می‌گیرد که هدف آن قبول یا رد افراد است، که پس از آزمون فرصت جبران کمی برای افراد وجود دارد(سیف ،۱۳۸۲). چنان که وقتی ارزیابی‌ها در نمرات نهایی خلاصه می‌شود، ممکن است رقابت، اضطراب و تمایل به پاداش های بیرونی را به جای پاداش درونی در یادگیری تشویق کند. اما سنجش تکوینی می‌تواند محیط یادگیری غیر ارزشیابانه را پرورش داده و همکاری را بین دانش-آموزان تقویت نماید، زیرا دانش آموزان می‌توانند بدون متحمل شدن مجازات تحصیلی حاصل از سنجش پایانی، مطالب درسی را یاد بگیرند(رولف و مک فرسون[2]، ۱۹۹۵). از طرف دیگر در سنجش تراکمی دیدگاه رفتارگرایی یعنی کاهش‌گرایی حاکم است؛ به این‌صورت که برای پی بردن به یادگیری کلی، می‌توان آن را به اجزا تبدیل نموده و

[1] . Edward & Paul

2 . Rolfe& McPHERSON

توسط نمونه‌هایی از آزمون‌های مختلف چنین امری را محقق ساخت. در حالی که دیدگاه سازنده‌گرایی آن را قبول نکرده و معتقد است جهت پی‌بردن به یادگیری و اهداف پیچیده، باید کل فرآیند مورد بررسی قرار گیرد.

از این رو شورای عالی آموزش و پرورش، تصمیم گرفت که مقیاس‌های کمی دهی به مقیاس‌های کیفی تغییر یابد. و سنجش توصیفی را همسو با دیدگاه سازنده-گرایی، در دوره ابتدایی پیشنهاد نمود. شاید دلیل توجه به دوره ابتدایی را می‌توان در نتایج مطالعات سازمان توسعه و همکاری اقتصادی یافت که مشخص شده، کیفیت نظام آموزشی و به ویژه آموزش ابتدایی، محور بنیادین رشد اقتصادی پایدار، کاهش فقر، افزایش ظرفیت پاسخگویی به فضای رقابتی کار و فنّاوری در جهان امروز و به‌طور کلی، رفاه عمومی کشورها است(سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ،۲۰۱۱). سنجش توصیفی شیوه‌ای از سنجش تحصیلی_تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند برای شناخت دقیق و همه‌جانبه فراگیران در ابعاد مختلف یادگیری، با استفاده از ابزارها و روش‌های مناسب مانند پوشه‌کار، آزمون‌ها(با تاکید بر آزمون‌های عملکردی) و مشاهدات در طول فرایند یاددهی_ یادگیری به دست می‌آید؛ تا بر اساس آن بازخوردهای توصیفی مورد نیاز برای کمک به یادگیری و یاددهی بهتر در فضای روانی و عاطفی مطلوب برای دانش‌آموز، معلم و اولیا حاصل آید(حمزه‌بیگی و همکاران ،۱۳۹۴). تا دانش‌آموزان بتوانند با انعکاس بازخورد، برای هدایت یادگیری خود در آینده، شناسایی نقاط ضعف و قوت، و درک انتظارات معلمان خود استفاده نموده و معلمان هم بتوانند برای ارزیابی و اصلاح آموزش خود و نیز نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خود استفاده کنند(لارسن، باتلر و رودیگر[1]، ۲۰۰۸).

تاکنون چندین پژوهش کیفی در زمینه سنجش توصیفی انجام گرفته است. از نظر پژوهشگران، طرح سنجش توصیفی با کاهش اضطراب حاصل از امتحانات پی-درپی، کاهش رقابت و تقویت همکاری در بین فراگیران، می‌تواند در بهداشت

1 . Larsen, Butler& Roediger

روانی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد(لوکاس و مورفی[1]، ۲۰۰۷). نتایج تحقیق کمی-کیفی نیک نژاد(۱۳۸۶) حاکی از افزایش بهداشت روانی ناظر به دانش آموزان شامل مولفه هایی نظیر سلامت روحی، کاهش استرس، اضطراب امتحان و اضطراب مدرسه، افزایش میزان علاقه‌مندی و روحیه نشاط در دانش آموزان است. تحقیقی کیفی دیگر توسط زمانی فرد ،کشتی آرای و میرشاه جعفری(۱۳۸۹) با استفاده از مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته با معلمان ابتدایی انجام گردید. این پژوهش در سه مفهوم محوری: ۱- فرآیند یاددهی - یادگیری،۲ - بهداشت روانی و ۳ - حیطه های مختلف شخصیت دانش آموزان دسته بندی شد. معلمان در جریان آموزش و اجرای طرح تجارب مثبت و منفی زیادی را به دست آورده‌اند که بر ادراک آنها از طرح تأثیر داشته است. نتایج این پژوهش کیفی نیز بیانگر کاهش اضطراب دانش‌آموزان، حذف رقابت های ناسالم، ارتباط بیشتر معلم و دانش آموز، کاهش تقلب، افزایش اعتماد به نفس، افزایش همکاری، سازگاری و صمیمیت بین دانش آموزان مشمول طرح است. همچنین معلمان، علاقه-مندی بیشتر به درس، معلم و مدرسه، لذت از یادگیری و مشارکت و فعالیت زیاد دانش-آموزان را از تأثیرات اجرای طرح دانسته‌اند. به طور کلی ،ارتقاء میزان همکاری و کارگروهی بین دانش‌آموزان، کاهش رقابت، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در بحث و گفتگو، حذف اضطراب امتحان و مطابقت بیشتر با استانداردهای سنجش، از مزایای اجرای سنجش توصیفی است(صالحی، بازرگان، صادقی و شکوهی یکتا ،۱۳۹۴).

از طرفی نتایج پژوهش کیفی انجام شده توسط حسنی(۱۳۹۳) نشان داد که از نگاه معلمان در نظام سنجش سنتی، نمره برای دانش آموزان همانند تقویت کننده‌ای مثبت عمل می‌کرد که در نظام کیفی به این مسئله توجهی نشده است. و معلمان سه مشکل ابزارهای سنجش توصیفی را شامل عدم دقت، وقت‌گیر بودن و نیاز به تمرین برای پرکردن فرم‌ها دانسته‌اند(ابزارهای سنجش). نامناسب بودن فضا و امکانات مدرسه برای اجرا و عملیاتی کردن طرح (جوّ کلاسی)، قرار گرفتن معلم در جایگاهی ضعیف در مقایسه با سنجش سنتی(جایگاه معلم) و نیاز به تدارکات و همچنین تمهیداتی در جهت اجرای بهتر طرح (تدارکات) و سرانجام عدم توجیه و ناآگاهی والدین باعث سردرگمی

2. Loukas & Murphy

و در پی آن ایجاد انتظارات نابه‌جا در والدین شده است (نگاه والدین). پژوهش کیفی صالحی و همکاران(۱۳۹۴) با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت تحلیل عمیق تجربه زیسته معلمان، موجب شناسایی و دسته بندی شش آسیب احتمالی برای دانش آموزان نظیر«پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با سطح سواد ناکافی »، «پرورش نامطلوب دانش‌آموزان بی‌انگیزه نسبت به پیشرفت تحصیلی»، «عدم امکان کسب شناخت دقیق دانش‌آموزان شایسته و توانمند»، «پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با مسئولیت‌پذیری پایین»، «ناشناخته ماندن ضعف‌های دانش-آموزان و در نتیجه عدم رفع آنها» و «بروز احساس بی‌لیاقتی و کاهش اعتماد به‌نفس در برخی دانش‌آموزان» در مدرسه گردید. همچنین برزگر و دانافر(۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه الگوهای یادگیری سازگار در مدارس مجری سنجش توصیفی و نظام سنتی پرداخته‌اند. آنها اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اندکه دانش‌آموزان نظام سنجش توصیفی در اکثر خرده مقیاسهای الگوهای یادگیری سازگار نسبت به دانش‌آموزان سنجش سنتی برتری ندارند، این عدم برتری احتمالاً نشانگر آن است که اجرای طرح سنجش توصیفی کاملاً موفق نبوده است.

نمونه‌هایی که از پژوهش‌های کیفی در سنجش توصیفی مطرح شد، نتایج ناهماهنگی رادر مورد آثار سنجش توصیفی و چگونگی تحقق اهداف آن نشان می-دهند. همچنین در این پژوهش‌ها و اکثر پژوهش‌های کمی انجام یافته (بهمن، کیامنش و ابوالمعالی، ۱۳۹۲؛ داودی و شکرالهی، ۱۳۹۰؛ کرمعلیان، جعفری‌هرندی و عبادی، ۱۳۹۲) به اهمیت و نقش خود فراگیران کمتر توجه شده است. و تجارب خود دانش‌آموزان در این زمینه لحاظ نشده است، از سویی چون دانش‌آموزان ابتدایی دریافت کننده و به عبارتی مصرف‌کنندگان اصلی سنجش توصیفی می‌باشند، پس در بررسی چگونگی روند اجرای طرح و تهیه یک بازخورد شفاف و صادقانه، آنها اولین و مناسب‌ترین گزینه قابل تحقیق و بررسی در این زمینه هستند. با توجه به موارد ذکر شده و اینکه درک و تفسیر تجارب دانش‌آموزان مهمترین منبع اطلاعاتی برای بررسی موضوع مورد نظر است و پژوهش کیفی روش سودمندی برای بررسی عمیق این تجارب می‌باشد، در این پژوهش تلاش شد با استفاده از

رویکرد پدیدارشناسی، تجربه عمیق دانش‌آموزان از سنجش توصیفی مورد بررسی قرارگیرد. پدیدارشناسی، در واقع مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. پدیدار شناسی به جهان، آن‌چنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد. و می‌کوشد معانی را آن‌چنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار نماید(حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۴). از این لحاظ پژوهش حاضر تلاشی در جهت فهم تجربیات دانش‌آموزان از سنجش توصیفی است. و نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند به عنوان یک بازخورد مهم و اساسی از نحوه عملکرد سیستم سنجش توصیفی در خدمت معلمان و نظام اموزشی قرار گیرد. به این صورت که بررسی تاثیرات اجرای نظام سنجش آموخته‌ها در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان بعد از گذشت یک دهه از اجرای آن می‌تواند در افزایش شناخت و کارآمدی آن نقش اساسی داشته باشد. از این رو هدف اصلی در پژوهش حاضر کسب درک عمیقی از تجارب دانش‌آموزان از کیفیت و اثرات اجرای سنجش توصیفی بود. بدین منظور سوال اصلی این است که دانش‌آموزان ابتدایی چه ادراکی نسبت به سنجش توصیفی دارند؟

روش شناسی

هدف این پژوهش، توصیف و فهم عمیق تجربه‌های دانش‌آموزان پسر دوره دوم مدارس ابتدایی ناحیه دو شهر تبریز از اجرای طرح سنجش توصیفی در سال ۱۳۹۴ بود. که به روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. پدیدارشناسی به بررسی تجارب انسان‌ها آن‌گونه که هستند و ادراک می‌شوند، می‌پردازد. و به این سوالات پاسخ می‌دهد که پدیده تجربه شده چیست؟ و برای افراد چه معنایی دارد؟ لذا برای بررسی پدیده سنجش توصیفی و درک معنای آن نزد دانش‌آموزان ابتدایی،از میان جامعه در دسترس جهت کسب غنی‌ترین اطلاعات و با توجه به هدف پژوهش، بین چندین مدارس بررسی اولیه انجام گردید و مشخص شد که از بین آنان یکی از مدارس دارای اطلاعات خوب است و می‌تواند اهداف پژوهش را پوشش دهد و لذا بخاطر غنی بودن اطلاعات، از همان مدرسه نمونه‌گیری شد که جهت آشنایی خوانندگان با بافت پژوهش، ویژگی‌ها و اطلاعات مدرسه مورد نظر جهت عینیت‌بخشی در جدول ۱ آورده شده است. نمونه

پژوهش به حجم ۹ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با لحاظ پایه‌های متفاوت و وضعیت پیشرفت تحصیلی و سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی انتخاب شد. جالب اینکه نمونه‌گیری در هفتمین نفر به اشباع رسید و اطلاعات دیگری به دست نیامد. اما علی‌رغم آن، دو نفر دیگر نیز وارد نمونه گردید تا از عدم حصول اطلاعات تازه اطمینان به عمل آید. و از آنجا که پژوهش حاضر پدیدارشناسی است نه گراندد‌تئوری، پس این تعداد اطلاع‌رسان کافی به نظر رسید. سپس از طریق انجام مصاحبه عمیق با افراد نمونه، داده‌ها جمع‌آوری شدند. در مصاحبه از دانش-آموزان خواسته شد تا تجربه‌های خود از اجرای طرح سنجش توصیفی را بیان کنند. مصاحبه زمانی به اتمام می‌رسید که نقطه ابهامی برای پژوهشگر باقی نمانده بود که به روشنگری نیاز داشته باشد. مصاحبه‌ها ضبط، سپس بر روی کاغذ پیاده می‌شد و برای بالا بردن دقت کار نسخه‌ها با نوار مقایسه می‌شد. درگیری مداوم و طولانی-مدت پژوهشگر جهت جمع‌آوری اطلاعات، تجارب قبلی و ارتباط پژوهشگر با افراد شرکت‌کننده و به‌ویژه با موضوع پژوهش، تلفیق شیوه‌های مختلف گردآوری داده‌ها مثل مصاحبه، مشاهده و خاطره‌گویی و تلفیق گردآورندگان متفاوت در جمع‌آوری، گزارش‌دهی، رمزگذاری و تحلیل داده‌ها می‌توانند نشان از مقبولیت داده‌های پژوهش باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده علاوه بر تحلیل دستی داده‌ها به روش اسمیت، از نرم‌افزار MAXQDA10 به عنوان یک شیوه کمکی در وارد کردن داده‌ها استفاده شد. که یک نرم افزار تخصصی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و آمیخته است. این نرم افزار در تحلیل انواع داده‌ها مانند pdf، word، عکس، فایل‌های اسکن شده و... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول۱- اطلاعات مربوط به بافت پژوهش

مضمون اصلی	مضامین فرعی به تفکیک گروه‌ها
وضعیت کلی مدرسه	مدرسه مورد نظر دولتی و تازه ساخت بوده که دارای ۱۸ کلاس با امکانات آموزشی معمولی است. و به صورت تک شیفت اداره می‌شد. از نظر اجتماعی در یکی از مناطق متوسط شهر تبریز واقع شده و به دلیل مهاجرپذیر بودن این منطقه، دانش‌اموزانی را از فرهنگ‌های مختلف در خود جای داده است.
دانش‌آموزان	دانش‌آموزان در دامنه سنی ۱۰- ۱۳ قرار داشتند و از نظر سطح پیشرفت تحصیلی در حد متوسط و بالاتر از حد متوسط بودند که از دوره اول ابتدایی توسط شیوه توصیفی مورد سنجش قرار گرفته بودند و آشنایی کاملی با این شیوه داشتند.
والدین دانش-آموزان	سطح طبقه اجتماعی و اقتصادی والدین در حد متوسط بوده و میزان سواد آنها در دامنه مدرک ابتدایی تا لیسانس قرار داشت که بیشترشان دارای مدرک دیپلم بودند.
کارکنان مدرسه	مدرسه دارای یک مدیر، چهار معاون و ۱۸ معلم با مدارک لیسانس و فوق لیسانس است و در دامنه سنی از ۲۷ – ۴۵ قرار داشتند. که در امور مربوط به مدرسه و کلاس درس با یکدیگر همکاری لازم را داشته و یک جو صمیمی در مدرسه حاکم بود. معلمان در تدریس خود بیشتر از روش‌های تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ استفاده می‌کردند. و از کارپوشه و بیشتر از روش مدادکاغذی(اوراق امتحانی) جهت سنجش دانش‌آموزان استفاده می‌کردند.

یافته‌های تحقیق در تحقیق حاضر مضامین اصلی و فرعی متناسب با داده‌ها و به تفکیک گروه‌ها، بعد از تحلیل و کدگذاری به وسیله نرم افزار استخراج، و در جدول ذیل ارایه شده است.

جدول۲- مضامین اصلی و فرعی به تفکیک گروه‌ها

مضمون اصلی	مضامین فرعی به تفکیک گروه ها	
	دانش آموزان متوسط و ضعیف	دانش آموزان قوی
۱- ادراک منفی	کاهش رقابت جهت پیشرفت- کاهش سطح بهینه استرس(بی خیالی)- ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف- افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف_یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات- کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود_کاهش علاقه _غیرواقعی بودن نمرات _ ایجاد خوشحالی الکی _ابهام در نمره‌دهی_ عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف- نبود ملاک روشن و مطلق قبولی- عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان - نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد	کاهش رقابت جهت پیشرفت_ کاهش سطح بهینه استرس (بی خیالی) _ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف_ افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف_ کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود_غیرواقعی بودن نمرات _نمرات غیر واقعی _ عدم تمایز دانش-آموز قوی از ضعیف
۲- ادراک مثبت		امکان ارفاق سرکلاس و امتحانات پایانی- افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق- دریافت تشویق والدین در اثر مشخص نبودن نمره دقیق- افزایش علاقه به خاطر ناآشکار ساختن نمرات کم- کاهش رقابت- کاهش تمسخر دوستان- راحت شدن قبولی- عادت به این نوع سنجش و احساس آرامش در آن
۳- متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف	نوعی سرپوش بودن- افت تحصیلی بیشتر- بی‌سواد بار آمدن_ دادن قبولی غیرواقعی و به کمک معلمان_ بی-توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها	افت تحصیلی بیشتر_ بی توجه و بی خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس
۴- مناسب پایه-های پایین تحصیلی	ایجاد شادی با کتمان میزان غلط‌ها_ دریافت تشویق والدین در اثر وجود ابهام در نمره واقعی	
۵- مورد پسند والدین دانش-آموزان ضعیف		جلوگیری از هزینه دوباره(کاهش هزینه-ها)_ احساس غرور کاذب _پوشش ضعف فرزندان

همان طور که جدول۲ نشان می‌دهد، تجارب دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی شامل ۵ مضمون اصلی «ادراک منفی»،« ادراک مثبت»، «متضرر شدن دانش-آموزان ضعیف»، «مناسب پایه‌های تحصیلی پایین» و «مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف»، می‌باشد. و هر یک از این مضامین اصلی در هر یک از گروه‌های دانش‌آموزان قوی و دانش‌آموزان متوسط و ضعیف دارای مضامین فرعی است. البته باید گفت که برخی از مضامین مختص گروه خاصی است و تجارب گروه دیگر حاوی آنها نمی‌باشد. و این گروه‌بندی از ابتدا جزو اهداف پژوهش نبوده و پس از کدگذاری نهایی و بررسی وضعیت تحصیلی هر یک از دانش‌آموزان به کمک معلمان، پژوهشگر متوجه شکل‌گیری خودبخودی گروه‌بندی دانش‌آموزان در ارائه نظرات شده است که قابل توجه می‌باشد. جهت توضیح بیشتر هر یک از این مضامین اصلی، در ادامه نمونه تجربه‌های دانش-آموزان با استفاده از کدهای ۱ تا ۹ در داخل پرانتز ذکر شده است.

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی ادراک منفی از سنجش توصیفی

می‌توان گفت که قریب به اتفاق دانش‌آموزان، تجارب خود را صادقانه و بی‌باکانه در آغاز مصاحبه و در دل یک جمله کوتاه"توصیفی خوب نیست و من آن را دوست ندارم" خلاصه می‌کردند. از نگاه هر دو گروه از دانش‌آموزان، اجرای سنجش توصیفی مشکلات فراوانی به ارمغان آورده که در نظام نمره‌دهی نمی‌تواستند عرض اندام کنند. آثار سوء کاهش رقابت جهت پیشرفت، کاهش سطح بهینه استرس(بی خیالی) امکان ارفاق به ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف، و متعاقبا افزایش غیر واقعی قبولی آنها، یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات، کاهش علاقه به مدرسه و درس و کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود، را وقتی می‌توان دریافت که آنها می‌گویند:" *توصیفی رقابت را خیلی کم کرده است. من معتقدم که کمی استرس و جو رقابتی لازم است، که در توصیفی از بین رفته است"(کد ۴). و" درسته توصیفی استرس مرا کم کرده ولی این در کل به نفع خودمان نیست. چون باور داریم با ۳ غلط نمره خیلی خوب می‌گیریم. که این نوعی ارفاق است و همه دانش‌آموزان مطمئن هستند که به آنها ارفاق خواهد شد. و*

من می‌گویم که توصیفی برای دانش‌آموزان ضعیف خوب است چون در همه درس‌ها به آنها ارفاق می‌شود و آنها ارفاق را دوست دارند"(کد ۱). دانش‌آموزان قوی ابراز می‌داشتند که" *در توصیفی تعداد مردودی‌ها خیلی کم شده است و من دوست داشتم دانش‌آموزان ضعیف در کلاس ما نبودند چون آنها وقت ما را می‌گیرند و من این را از توصیفی می‌دانم. اگر مدل قدیمی نمره‌دهی بود آنها نمی‌تواستند وارد کلاس من شوند*" (کد۲). و "*الان بیشتر بچه‌ها به زور والدین به مدرسه می‌آیند ولی اگر توصیفی از ابتدایی برداشته شود علاقه دانش‌آموزان به درس بیشتر می شود توصیفی باعث تلاش بیشتر نمی‌شود چون در مدل قدیمی سنجش اگر دانش‌آموزی مثلا ۱۳ می‌گرفت، تلاش می‌کرد خود را به فردی که ۱۵ گرفته برساند. ولی این دو نمره در توصیفی یکسان در نظرگرفته می‌شود*" (کد۹).

دیگر مضامین فرعی‌ای که ذهن فعال و باریک‌بین دانش‌آموزان از آنها غافل نمانده بود، شامل غیرواقعی بودن نمرات، ایجاد خوشحالی الکی، ابهام در نمره‌دهی، عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف، نبود ملاک روشن و مطلق قبولی، عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان و نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد می‌باشد ."*وقتی در توصیفی مثلا ۲ اشتباه داریم معلم نمره خیلی خوب می‌دهد و من خوشحال می‌شوم در حالی که اگر روش قدیمی ارزشیابی بود من ۱۸ می‌شدم. و هیچ وقت برای گرفتن این نمره شادی نمی‌کردم. توصیفی بچه‌های بزرگتر را الکی شاد می کند*"(کد۷). همچنین بیان می‌شد که "*در توصیفی اصلا معلوم نیست چند گرفتی و فرق زرنگ و ضعیف معلوم نیست یعنی فاصله و تفاوت دانش‌آموزان را به خوبی نشان نمی‌دهد. ما در کلاس به خودمان نمره می‌دادیم تا تفاوتمان از هم معلوم شود. توصیفی نمی‌تواند قبولی یا رد شدن را به روشنی برای دانش‌آموران بیان کند چون خیلی‌ها با گرفتن نمره قابل قبول از سوی معلمان به مقاطع بالاتر بروند. آدم وضعیت تحصیلی خودش را نمی‌داند. حتی والدین هم از آن آگاهی دقیقی نمی‌توانند پیدا کنند. ولی اگر مدل قدیمی بود وضعیت من مشخص می‌شد و می‌توانستم پیشرفت کنم و والدین هم با آگاهی از نمره‌های کم به فکر رشد و پیشرفت بچه‌های خود می‌افتادند. و افراد پیر و بی سواد هم اصلا*

معنی نمرات خوب و خیلی خوب را نمی‌دانند و آنها فکر می‌کنند وقتی من نمره عالی گرفتم دانش‌آموز خوبی هستم و فقط ۲۰ و ۱۹ را می‌شناسند برای دانش آموز خوب بودند"(کد۴).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی ادراک مثبت از سنجش توصیفی

شاید هر پژوهشگر کم تجربه‌ای با اندک تاملی در تجارب ملفوظ و مکتوب دانش-آموزان، متوجه گروه‌بندی خودبخودی آنها می‌شد؛ عده‌ای که فقط جبهه انتقادی گرفته بودند و در زمره دانش‌آموزان قوی قرار داشتند. ولی در میان آنها دانش‌آموزانی متوسط و ضعیفی بودند که به نکات مثبت اجرای سنجش توصیفی هم اشاره می‌کردند. اعم از امکان ارفاق سرکلاس و امتحانات پایانی، افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق، افزایش علاقه به خاطر ناآشکار ساختن نمرات کم، دریافت تشویق والدین در اثر مشخص نبودن نمره دقیق، کاهش رقابت، کاهش تمسخر دوستان، راحت شدن قبولی، عادت به این نوع سنجش و احساس آرامش در آن. این دانش‌آموزان بیان کردند که" *توصیفی به خاطر ارفاقی که در آن به آدم می‌شود، خوب است. مثلا وقتی ۲ غلط داری خیلی خوب می‌گیری ولی در مدل قبلی ۱۸ می‌گرفتی و یا اینکه اگر در مدل قبلی نمره-دهی در امتحان پایانی ۹ می‌گرفتی باید در شهریور دوباره امتحان می‌دادی ولی در توصیفی قبولی می‌گیری وآن به نظر من خیلی خوب است. وقتی به من ارفاق می شود خوشحال شده و دفعه بعد تلاش می‌کنم تا نمره بدون ارفاق بگیرم. در نظام قبلی اگر مثلا فرد نمره ۱۲ می‌گرفت، از شوق و علاقه می‌افتاد. ولی در توصیفی که ارفاق می‌شود آدم در درسش جلو می‌افتد و من که نمره خوب را به جای ۱۲ می‌گیرم از سوی والدینم تشویق می‌شوم*" (کد۸). و نکته جالب اینکه دانش‌آموزان متوسط و ضعیف کاهش رقابت را برخلاف دانش‌آموزان قوی یک عامل مثبت و تقویت کننده می‌دانستند. *"رقابت را توصیفی کاهش داده است و کلا رقابت بین دانش‌آموزان خوب نیست چون باعث تمسخر و* درگیری بین دوستان می‌شود"(کد ۶). راحت *شدن قبولی و عادت به سبک ارزیابی توصیفی وقتی استنباط می‌شود که یکی از آنها بیان می‌کند که" چون قبولی در توصیفی راحت است من به درس اهمیت زیادی نمی‌دهم چون می‌دانم که*

قبولم و چون از سبک ارزشیابی قدیمی اطلاعاتی ندارم و از طرفی هم توصیفی را یاد گرفته و به آن عادت کرده‌ام، دوست دارم توصیفی ادامه یابد"(کد۵).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف

حس غرور آمیخته به تأسف به آدم دست می‌داد، وقتی می‌دید دانش‌آموزان دلسوزانه و همدلانه و صد البته موشکافانه در مورد ظلمی که در حق دانش‌آموزان ضعیف سیستم آموزش و پروش با اجرای نسنجیده طرح سنجش توصیفی، روا داشته می‌شود، صحبت می‌کنند. نوعی سرپوش بودن، افت تحصیلی بیشتر، بی‌سواد بار آمدن، دادن قبولی غیرواقعی به کمک معلمان، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها بی‌توجه و بی‌خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس، جوهره صحبت‌هایی بود که می‌گفتند: *"این دانش‌آموزان بیچاره با این که فکر می‌کنند توصیفی به نفع آنهاست و کار خوبی است که به آنها قبولی الکی می‌دهند ولی کلا به ضرر آنهاست چون آنها در این حالت تلاش نخواهند کرد و روز به روز از درس عقب می‌افتند. و کم‌کم بی‌سواد بار می‌آیند. چون وقتی آنها قبول می‌شوند بیشترشان با کمک معلم‌هاست و در واقع معلمان برای از سر وا کندن به آنها همین‌طوری قبولی می‌دهند و به آموزش آنها توجه نمی‌کنند و کاملا بی‌تفاوت هستند"* (کد۹). همچنین دیگر نکته جالب دیگری که یکی از دانش‌آموزان متوسط از لحاظ تحصیلی اشاره کرد این بود که "*در توصیفی دوستان‌مان و دانش‌آموزان ضعیف در حین تدریس و تمرین ما را به حرف می‌گیرند ولی اگر مدل قدیمی بود آن‌وقت خودشان هم مجبور بودند به درس گوش دهند و تمرین کنند ولی با بی‌خیالی، الان سر کلاس می‌نشینند چون می‌دانند به آنها قبولی می‌دهند*"(کد ۸) .

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی مناسب پایه‌های پایین تحصیلی

به نظر دانش‌آموزان قوی سنجش توصیفی به دلایل ایجاد شادی با کتمان میزان غلط‌ها و دریافت تشویق والدین در اثر وجود ابهام در نمره واقعی، مناسب کودکان

کم سن و سال مقاطع اول و دوم ابتدایی است."*توصیفی برای بچه‌های کم سن خوب است. چون آنها شاد می‌شوند وقتی مثلا نمره ۱۷ آنها معادل نمره خیلی خوب در توصیفی است. و یا وقتی نمره خوب می‌گیرند(یعنی معدل نمرات ۱۴،۱۵ و یا ۱۶) والدین آنها آنان را تشویق می‌کنند. ولی اگر نمره آنها واضح بود آنها را برای نمره ۱۴ تشویق نمی‌کردند*" (کد۷).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی موردپسند والدین دانش‌آموزان ضعیف

برخی از دانش‌آموزان ضعیف اظهار داشتند که والدین دانش‌آموزان ضعیف به دلایل جلوگیری از هزینه دوباره(کاهش هزینه‌ها)، احساس غرور کاذب و پوشش ضعف فرزندان آنها خواهان ادامه یافتن اجرای سنجش توصیفی در مدارس هستند ."*والدین دانش‌آموزان ضعیف دوست دارند توصیفی باشد چون به بچه‌های آنها ارفاق می‌شود و ضعف شان معلوم نمی‌شود. و آنها پیش اقوام و فامیل خود احساس غرور می‌کنند الکی. و از طرفی چون معلمان به فرزندان آنها قبولی می‌دهند، آنها دیگر مجبور به هزینه گذاری دوباره(در صورت مردودی) نیستند*"(کد۱).

جدول ۳ -خلاصه تجربه‌های دانش‌آموزان از اجرای طرح سنجش توصیفی

مضمون عمده	نمونه تجربه
۱-ادراک منفی	چون در نمره ارفاق نیست استرس هم زیاد است ولی توصیفی، استرس طبیعی ما را از بین برده است. در توصیفی فاصله و تفاوت دانش‌آموزان از هم مشخص نیست(کد۴). چون در توصیفی می‌دانم که قبول می‌شوم به درس خواندن اهمیت نمی‌دهم(کد۴). دانش‌آموزان ضعیف در کلاس وقت ما را می‌گیرند و فکرمان را مشغول می‌کنند و این از آثار توصیفی است و آنها با ارفاق وارد کلاس من شده‌اند(کد۳).
۲-ادراک مثبت	من توصیفی را دوست دارم و می‌خواهم در راهنمایی هم ادامه پیدا کند چون والدینم بخاطر کسب نمره خوب (بجای ۱۴) مرا تشویق می‌کنند(کد۶). در کل توصیفی خوب است چون با ارفاقی که به من می‌شود باعث پیشرفت من در دفعات بعدی می‌شود(کد ۳) توصیفی رقابت را کاهش داده است ولی کلا رقابت بین دانش‌آموزان خوب نیست چون باعث تمسخر یکی که کم گرفته می‌شود(کد ۵).
۳-متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف	توصیفی به ضرر ضعیف‌هاست با اینکه فکر می‌کنند به نفع آنهاست و فکر می-کنند که کار خوبی است که در توصیفی به آنها قبولی الکی می‌دهند(کد ۴). دانش‌آموزان ضعیف بی‌سواد بار می‌آیند(کد۱). وقتی آنها قبول می‌شوند، به کمک معلمان قبول می‌شوند و در واقع به آنها قبولی می‌دهند(کد ۹).
۴-مناسب پایه‌های پایین تحصیلی	توصیفی برای بچه‌های کم سن خوب است چون آنها شاد می‌شوند وقتی مثلا نمره ۱۷ آنها در توصیفی معادل نمره خیلی خوب می-شود(کد۲). آنها با گرفتن نمرات خوب و خیلی خوب که باعث پنهان ماندن میزان غلط آنها می‌شود، خوشحال می‌شوند(کد ۹).
۵-موردپسند والدین دانش-آموزان ضعیف	چون به دانش‌آموزان ضعیف قبولی داده می‌شود پس والدین آنها مجور به هزینه دوباره برای تکرار پایه نیستند(۵) والدین دانش‌آموزان ضعیف دوست دارند توصیفی ادامه یابد چون به بچه‌های آنها ارفاق می‌شود و ضعف آنها معلوم نمی‌گردد(کد ۶).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی تجارب دانش‌آموزان ابتدایی دوره دوم از اجرای طرح سنجش توصیفی بود. بدیهی است که اجرای هر طرح و برنامه‌ای، نیازمند تهیه اهداف کاملا مشخص و از پیش‌تعریف شده، بسترسازی مناسب اجرای طرح، پیش‌بینی مسائل و مشکلات احتمالی ناشی از اجرا و فراهم سازی برخی راه‌حل‌ها برای این مشکلات احتمالی است که در صورت عدم توجه کافی به این موارد، مسلما طرح یا برنامه خاص به موفقیت نمی‌رسد و نهایتا افراد در بررسی و بازبینی یک طرح ناموفق در حال اجرا و دادن یک بازخورد، به آسیب‌ها و نکات منفی آن اشاره می‌کنند. و اولین و مهم‌ترین یافته این تحقیق نیز حاکی از وجود برخی مشکلات اساسی ناشی از اجرای این طرح در دیدگاه دانش‌آموزان بود. از قبیل کاهش رقابت جهت پیشرفت،کاهش سطح بهینه استرس(بی خیالی)، ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف، افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف، یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات، کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود ،کاهش علاقه، غیرواقعی بودن نمرات، ایجاد خوشحالی الکی، ابهام در نمره‌دهی، عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف، نبود ملاک روشن و مطلق قبولی، عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان و نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد. اکثر دانش‌آموزان نمونه تحقیق و همه دانش‌آموزان قوی خواستار حذف سنجش توصیفی و جایگزینی آن با نظام سنجش سنتی بودند، چرا که سیستم آموزشی و سنجش در پایه‌های بالاتر به‌ویژه کنکور، جهت ورود به زمینه‌های تحصیلی و مشاغل مورد علاقه، مبتنی بر شایستگی است و کسانی وارد موقعیت‌های خاصی می‌شوند که سواد و یا مهارت لازم و کافی در آن زمینه به دست آورده باشند. و به زمان صرف شده و مورد نیاز برای کسب آنها، اهمیت نمی‌دهد. از این رو سنجش توصیفی مورد پسند اکثر دانش‌آموزان و والدینشان نیست. به اعتقاد این دانش‌آموزان در نظام سنتی آگاهی والدین از میزان نمرات فرزندان، خود باعث مراقبت همواره آنها از وضعیت تحصیلی بچه‌ها و یک قوه محرکه و تقویت کننده مثبت در رشد و پیشرفت درسی به حساب می‌آمد ولی اکنون در سنجش توصیفی با حذف تقریبا کامل این فشار اولیا، تمایل دانش‌آموزان به درس و مدرسه هم کم شده است. همچنین بررسی تجارب

دانش‌آموزان نشان می‌دهد که کاهش و یا حذف حساسیت به نمره، برخلاف نظر برخی مسئولین نه تنها مطلوب نیست، بلکه می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری از قبیل بی‌خیالی و بی‌توجهی، بی‌انگیزگی و افت تحصیلی را در پی داشته باشد. بر اساس اصل تشویق و تنبیه دیدگاه رفتارگرایان، خود نمره به عنوان یک ملاک روشن و دقیق، و آگاهی دهنده و پیامدی از عملکرد دانش‌آموز، ذاتا حالت تشویقی و تنبیهی دارد. و در موارد لازم کودک را تشویق یا وادار به تلاش بیشتر و جبران ضعف خود می‌کند. بدیهی است که همه روانشناسان بر استفاده از اصل تشویق در تربیت کودک توجه می‌کنند ولی استفاده از تنبیه را در موارد ضروری انکار نمی‌کنند.

در تبیین مقوله ارفاق می‌توان گفت که طبق نظریه انتظار[1] ویکتور وروم(۱۹۶۴) که به تشخیص چگونگی انتخاب راه انجام کار، به وسیله افراد مربوط می شود. و به شرح علت این که چرا مردم یک رفتار را بر رفتار دیگری ترجیح می دهند و انتخاب می‌کنند، می‌پردازد؛ دانش‌آموزان ضعیف از آنجایی که انتظار دارند به آنها ارفاق شود و گرفتن این ارفاق برایشان خوشایند است پس انجام تلاش اضافی برای کسب نمرات خوب را جایز و ضروری نمی‌دانند. و با همین روال معمولی درس خواندن، می‌توانند ارفاق کافی را کسب کنند. و بر طبق نظریه تلاش های شخصی امونس، تلاش دانش‌آموزان در این سنجش نه از روی علاقه و به خاطر ارزشی است که برای درس و مدرسه قائلند، بلکه به دلایل بیرونی مثل فشار اجتماعی یا به خاطر انتظاری است که از آنها می‌رود، تلاش می‌کنند. و در این صورت آنها سلامت ذهنی نخواهند داشت، چون این تلاش نیازهای روانشناختی فطری آنها را ارضا نمی‌کند و آنها برای چیزی که می‌خواهند تلاش نمی‌کنند. همچنین در توضیح یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات و مشکلات ناشی از آن باید گفت که درک هر گونه ناهماهنگی[2] بین حالت موجود و ایده‌آل فرد، باعث تجربه ناهمخوانی می‌شود که ویژگی انگیزشی دارد. بر طبق این نظریه افرادی که

[1] . Expectancy theory
2. incongruity

دچار ناهمخوانی می‌شوند برای برطرف کردن آن، برنامه‌ریزی می‌کنند. در کاهش ناهمخوانی(یکی از انوع ناهمخوانی) که بر پایه بازخورد پی بردن به ناهمخوانی قرار دارد، برخی از جنبه‌های محیط مثل(بورس ، مدیر و ...) درباره عملکرد عادی فرد بازخورد می‌دهند که او را از اختلاف عملکرد فعلی با عملکرد ایده‌آل، آگاه می‌سازد(ریو سازد(ریو ،۱۳۹۲). حال آنکه دانش‌آموزان در سیستم سنجش توصیفی بازخورد روشن روشن و دقیقی از عملکرد خود به‌خاطر ابهام در معیار سنجش، دریافت نمی‌کنند(مثلا برای بازه نمرات ۱۷ تا ۲۰، نمره خیلی خوب می‌گیرند) و این نوع سنجش در دانش آموزان بین حالت موجود و ایده‌آل ناهمخوانی ایجاد نمی‌کند(چون نمره ۱۷ برای آنها معادل خیلی خوب یا همان ۲۰ است) در نتیجه دانش‌آموزان تلاش بیشتری برای ارتقا حالت موجود خود انجام نمی‌دهند.

یکی از مضامین فرعی دیگر قابل بحث در اینجا، ایجاد خوشحالی الکی است. چرا که دانش‌آموزان بر اساس نظریه اسناد، کسب نمرات خوب و یا خیلی خوب را نتیجه تلاش‌های شخصی خود نمی‌دانند و آن را به عوامل بیرونی چون ارفاق معلم نسبت می‌دهند، پس خوشحالی ناشی از آن را نیز درونی و واقعی نمی‌دانند. چون برخاسته از تلاش شخصی خود دانش‌آموز نیست پس برای کسب نمرات خوب تلاش نمی‌کنند. حتی دادن قبولی از سوی معلمان و به عبارتی قبولی خودبه‌خودی، موجب شده است که آنها موفقیت‌ها و صعود به پایه‌های بالاتر را جدای از تلاش خود بدانند که این امر می‌تواند در شکل گیری پایه‌های اساسی شخصیت دانش‌آموزان، زندگی تحصیلی، شغلی، شخصی و به‌طور کلی در رشد و پیشرفت‌های آتی دانش‌آموزان صدمات جبران ناپذیری را وارد کند. این تجارب منفی دانش‌آموزان از اجرای طرح سنجش توصیفی با پژوهش‌های خوش‌خلق و پاشاشریفی(۱۳۸۵)، حسنی(۱۳۹۳)، کشتی‌آرای ، کریمی علویجه و فروغی ابری(۱۳۹۲)، زمانی‌فرد، کشتی‌آرای و میرشاه جعفری(۱۳۸۹) و صالحی و همکاران(۱۳۹۴) هماهنگ است. برای مثال نتایج تحقیق خوش‌خلق و پاشاشریفی(۱۳۸۵) نشان داد که برخی اهداف بهبود نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری، افزایش ماندگاری ذهنی(دوام و پایداری یادگیری)، توجه به اهداف سطوح بالاتر حیطه شناختی، تعمیق یادگیری، ایجاد فرصت اصلاح برای دانش‌آموزان و معلم

برای رفع کاستی‌های فرایند یادگیری، استفاده از بازخوردهای فرایندی در مسیر بهبود یادگیری، کاملا تحقق نیافته‌اند یا زمینه‌های تحقق آنها هنوز فراهم نشده است. حسنی(۱۳۹۳) دریافت که از نگاه معلمان در نظام سنجش سنتی، نمره دانش‌آموز همانند تقویت‌کننده‌ای مثبت عمل می‌کرد که در نظام سنجش توصیفی به آن توجه نشده است. و این عامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان است. همچنین کاهش رقابت سالم، ارتقای خودبخودی دانش‌آموزان، عدم کسب شناخت کافی از دانش‌آموزان از دیگر نتایج این تحقیق بود. کریمی علویجه و فروغی ابری(۱۳۹۳) در تحقیق خود نشان دادند که از دیدگاه معلمان حیطه‌های فرآیند یاددهی_ یادگیری و ارتقاء بهداشت روانی دانش‌آموزان موانع و چالش‌های پیش روی طرح سنجش توصیفی هستند. همچنین کاهش علاقه دانش‌آموزان و بی‌خیالی و بی‌توجهی به درس، پایین آمدن سطح علمی دانش‌آموزان و کم شدن تلاش آنها در منزل از دیگر مشکلات اجرای سنجش توصیفی است که نتایج تحقیق زمانی‌فرد،کشتی‌آرای و میرشاه جعفری(۱۳۸۹) می‌باشد. و تحقیق حسنی و ناهوکی(۱۳۹۲)، زارعی(۱۳۸۸) و حسنی و پوزش شیرازی(۱۳۹۲) در تضاد با این یافته است. نتایج تحقیق حسنی و ناهوکی(۱۳۹۲) نشان داد که میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گروه سنجش توصیفی بیشتر از دانش‌آموزان گروه سنجش سنتی بود. زارعی(۱۳۸۸) در تحقیق خود نشان داد که مشارکت و فعالیت در کلاس، تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم در گروه سنجش توصیفی بیشتر از سنجش سنتی بوده است. همچنین حسنی و پوزش شیرازی(۱۳۹۲) دریافتند که الگوی سنجش توصیفی، میزان یادگیری دانش‌آموزان را کاهش نداده است.اما از منظر کاهش مولفه‌های استرس زا باید گفت که سنجش توصیفی در این زمینه موفق عمل کرده است. و در آخر نتیجه تحقیق صالحی و همکاران(۱۳۹۴) نشان داد که نبود سازوکار دقیق و منسجم در سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان، علاوه بر اینکه امکان شناسایی دقیق دانش‌آموزان توانمند و شایسته را کاهش می‌دهد، می‌تواند تبعات ثانویه دیگری را

به همراه داشته باشد. سلیه[1](۱۹۸۷) معتقد است که استرس چاشنی زندگی است و رهایی کامل از آن فقط با مرگ امکان پذیر است. شواهد منطقی و مستندات پژوهشی پژوهشی تأیید می‌کند که حذف بخش مثبت استرس از برنامه دانش‌آموزان به بهانه حفظ سلامت روانی، نتیجه‌ای معکوس به همراه خواهد داشت(صالحی و همکاران ، ۱۳۹۴). بنا به نظریه یرکز و دادسون عملکرد، زمانی در بالاترین سطح قرار دارد که استرس بهینه وجود دارد. وقتی که استرس کم است و یا خیلی زیاد است، عملکرد پایین است و تنها زمانی که استرس در حد متوسط و بهینه است(استرس خوش‌خیم) عملکرد فرد نیز حداکثر است. بنا بر امر مسلم، افراط و تفریط در هیچ عملی درست نیست و همیشه وجود مقداری از استرس نه تنها مطلوب، بلکه ضروری است و نباید کاهش استرس دانش‌آموزان در سنجش توصیفی را یک نکته مثبت به حساب آورد بلکه موجب بروز بی‌خیالی و بی‌توجهی دانش‌آموزان در امور مربوط به مدرسه شده است.

واکاوی نظرات و دیدگاه‌های دانش‌آموزان ابتدایی در خصوص اجرای سنجش توصیفی همچنین نشان دهنده احساس خوشایند برخی از دانش‌آموزان گروه متوسط و ضعیف از اجرای این طرح می‌باشد که امکان ارفاق و همچنین وجود ابهام در نمره و مشخص نبودن نمره دقیق دانش‌آموز عامل به‌وجودآورنده مزایایی از قبیل افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق در دفعات بعدی، افزایش علاقه، دریافت تشویق والدین ،کاهش رقابت و تمسخر دوستان و راحت شدن قبولی می باشد. عادت به این نوع سنجش و احساس آرامشدر آن ،یکی دیگر از نکات مثبت اجرای این طرح از دیدگاه آنهاست. که مطالعات (نامور، راستگو، ابوالقاسمی و درخشنده ،۱۳۸۹؛ زاهدبابلان، فرج‌الهی و همرنگ ،۱۳۹۱ و زمانی‌فرد، کشتی‌آرای و میرشاه جعفری ،۱۳۸۹) همسو با این یافته‌اند که نشان دادند سنجش توصیفی، تلاش و رقابت بین دانش‌آموزان را کاهش داده است. حسنی و احمدی(۱۳۸۴) نشان داد که سنجش توصیفی موجب کاهش فشار و رقابت های زیان‌آور در کلاس‌های درس در مدارس می‌شود، محیط یادگیری را برای یادگیری هرچه مطلوب‌تر دانش‌آموز آماده می‌سازد. و به رشد و افزایش افزایش عزت نفس آنها

1. Selye

کمک می‌کند. زمانی‌فرد و همکاران(۱۳۸۹) نشان داد که حسادت بین دانش‌آموزان در این طرح بسیار کم شده است، رقابت‌های ناسالم، بدبینی، دشمنی، صحبت علیه دانش آموزان دیگر، کمک نکردن به همکلاسی‌ها و انتقام‌جویی حذف و رقابت سالم ایجاد شده، تأثیرات بد حاصل از نمره کم برای دانش‌آموزان ضعیف(طرد شدن، احساس حقارت، زیر پا له شدن، سرکوب شدن، انگشت نمایی و ...) در این طرح حذف شده است. همچنین خوش‌خلق و پاشاشریفی(۱۳۸۵) دریافتند که با اجرای سنجش توصیفی، اضطراب امتحان دانش‌آموزان بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد و می‌تواند به معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها این درس مهم را بیاموزد که اضطراب حاصل از نمره غیرواقعی و از همه مهم‌تر قابل کنترل است. همچنین به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا با حداقل اضطراب، یادگیری را تجربه کنند. این در حالی است که رقابت ماهیتاً امری نامطلوب به شمار نمی‌رود و میزانی از آن برای ایجاد پویایی در دانش‌آموزان و افزایش حس مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به پیشرفت تحصیلی خود لازم به نظر می‌رسد.رقابت زمانی مُخرب است که تبدیل به هدف شود،فراتر از توانایی فرد باشد و یا اینکه بیشتر از تهییج حس تعاون وهمیاری، بر رقابت تأکید شود و به جای رقابت سازنده، بر موفقیت به هر شکل ممکن تأکید شود.بنابراینکاهش افراطی حس رقابت‌جویی در دانش‌آموزان، نه تنها نمی‌تواند مطلوب باشد، که از اثرات نامطلوب محسوب می‌گردد(صالحی و همکاران ،۱۳۹۴). همانطور که دانش‌آموزان قوی که در این پژوهش حضور داشتند کاهش رقابت را یک عامل منفی و یکی از مشکلات اجرای طرح سنجش توصیفی گزارش کردند.

بررسی تجارب دانش‌آموزان قوی از نظر وضعیت تحصیلی همچنین نشان می‌دهد که آنها با وجود اینکه اظهار داشتند اجرای طرح سنجش توصیفی مزایایی به نفع آنها ندارد و علاوه بر آن آثار نامطلوب و مشکلاتی را در رابطه با امور درسی و ویژگی‌های فردی به وجود آورده بلکه همه آنها قویا معتقد بودند که اجرای چنین طرح نسنجیده‌ای با در نظر نگرفتن طرح‌ها و برنامه‌های ترمیمی و تکمیلی، به ضرر دانش‌آموزان ضعیف است و با بیان مشکلاتی مانند نوعی سرپوش بودن سنجش توصیفی، افت تحصیلی بیشتر،بی‌سواد بار آمدن،دادن قبولی غیرواقعی به کمک

معلمان، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها و بی‌توجه و بی‌خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس؛ نگرانی خود از آینده تحصیلی و زندگی اجتماعی اجتماعی و شخصی دانش‌آموزان ضعیف و شاید بتوان گفت تأسف خود را نشان دادند.تحقیق حسنی(۱۳۹۳) همسو با این یافته نشان داد که بی‌سوادی و مشکلات یادگیری ناشی از سنجش توصیفی برای پایه‌های بالاتر از چالش‌های اجرای آن است.همچنین صالحی و همکاران(۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با سطح سواد ناکافی، عدم امکان کسب شناخت دقیق از دانش-آموزان شایسته و توانمند، پرورش نامطلوب دانش‌آموزان بی‌انگیزه نسبت به پیشرفت تحصیلی، پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با مسئولیت‌پذیری پایین، ناشناخته ماندن ضعف‌های دانش‌آموزان و در نتیجه بروز احساس بی‌لیاقتی و کاهش اعتماد به نفس در برخی دانش‌آموزان(درماندگی آموخته شده) از آسیب‌های احتمالی برنامه سنجش توصیفی است .کریمی(۱۳۸۳) نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی ایران در دروس ریاضی، علوم و سواد خواندن بسیار پایین است. و نتیجه تحقیق قبادی چهارراه‌گشین، فانی و فلاحی(۱۳۹۳) حاکی از تاثیر معنادار سنجش توصیفی بر دو مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان بوده است. از دیدگاه برخی از دانش‌آموزان قوی، سنجش توصیفی مناسب پایه‌های پایین تحصیلی‌مثل کلاس اول و دومی هاست.و این به خاطر شادی‌ای است که سنجش توصیفی با کتمان میزان غلط‌های آنها برایشان به ارمغانمی‌آورد و متعاقبا تمجید و تشویق والدینشان شامل حال‌شان می‌شود. همسو با این یافته،محمدی‌فر، نجفی،رزم‌آرا و محمدزاده(۱۳۹۰) دریافتند که دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی که به روش توصیفی ارزیابی شدند،پیشرفت تحصیلی بالا و اضطراب امتحان پایین داشتند. و در تضاد با این یافته تحقیق حسنی(۱۳۹۳) نشان داد که اجرای طرح سنجش توصیفی مناسب پایه‌های پایین به‌ویژه کلاسی اول نیست. زیرا دانش‌آموزانی که حروف الفبا را یاد نگرفته‌اند،بطور غیر قابل قبولی به پایه‌های بالاتر تحصیلی می‌روند.

آخرین یافته پژوهش حاضر از بررسی تجارب دانش‌آموزان این بود که طرح سنجش توصیفی مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف است چرا که این طرح از هزینه دوباره والدین جهت تکرار پایه فرزندان آنها جلوگیری می‌کند. و با پوشش

ضعف فرزندانشان به آنها احساس غرور و سربلندی کاذب می‌بخشد. هماهنگ با این یافته، تحقیق ساعی ارسی و محمدزاده(۱۳۸۹) نشان داد که از نظر اولیای دانش‌آموزان،طرح سنجش توصیفی از موفقیت نسبتا زیادی برخوردار است. همچنین پژوهش‌های مرتضایی‌نژاد ،۱۳۸۳؛ سبحانی و حسنی ،۱۳۸۵؛ و شکرالهی ،۱۳۸۵، نقل از حسنی و احمدی،۱۳۸۶) نشان می‌دهد که والدین نگاه مثبتی نسبت به سنجش توصیفی دارند و به نظام سنجش سنتی نگاه بدبینانه دارند.در تضاد با این یافته،خوش‌خلق و پاشاشریفی(۱۳۸۵) در تحقیق خود نشان دادندکه یکی از اهداف سنجش توصیفی،کاهش حساسیت والدین به نمره است که این امر کاملا تحقق نیافته است یا زمینه تحقق آن هنوز فراهم نشده است. و همچنین تحقیق حسنی(۱۳۹۳) نشان داد که والدین در مورد سنجش توصیفی به خوبی توجیه نشده‌اند و ناآگاهی والدین در این زمینه باعث سردرگمی آنها و متعاقبا ایجاد انتظارات نابه‌جا در آنها شده است. در پایان توجه مسولین امر به پیشنهادها و راهکارهای زیر جهت جلوگیری از آسیب‌ها و مشکلات برشمرده و بهبود وضعیت فعلی راه‌گشا باشد.

درپایان بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: با توجه به اینکه سطح مطلوب و بهینه-ای از استرس و رقابت سالم بین‌فردی جهت رشد و پیشرفت همه‌جانبه دانش‌آموزان ضروری است. لذا مطالعات گسترده و جامعی در خصوص چرایی و چگونگی کاهش استرس طبیعی دانش‌آموزان در مدارس امروزی، از سوی پژوهشگران یا اساسا از طریق آموزش و پرورش صورت گیرد تا با پیشنهاد و به‌کارگیری راهکارهایی اصولی ولو برگشت به سنت دیرینه سنجش، بتوان آن استرس و برانگیختگی بهینه را به عنوان پتانسیل و محرک پیشرفت دانش‌آموزان، دوباره وارد بدنه آموزش و پرورش کرد. بعلاوه با توجه به وجود دیدگاه‌های بدبینانه دانش‌آموزان ابتدایی نسبت به کیفیت تدریس و سنجش معلمان و اثرات سنجش توصیفی، پیشنهاد می‌شود معلمان در فرآیند تصمیم-گیری امور مربوط به کلاس درس و مدرسه مشارکت داده شوند. تا با برگزاری جلسات توجیهی، آماده‌سازی و رفع نواقص در بین همکاران جهت از بین بردن مشکلات اجرایی طرح، گام‌های موثری در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش برداشته شود و این

مهم با فراهم‌سازی بستر مناسب برای افزایش فعالیت‌های کانون صنفی و انجمن‌های علمی آنان عملی‌تر می‌شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود مسولین وزارت آموزش و پرورش با اجرای طرح‌های تکمیلی و ترمیمی بر کاهش مشکلات اجرای طرح سنجش توصیفی نظارت داشته باشند و همچنین تمهیداتی را به جهت تغییر شرایط قبولی و مردودی دانش‌آموزان در این طرح و به‌قول دانش‌آموزان جلوگیری از قبولی خودبه‌خودی و غیرواقعی بیندیشند.

منابع

برزگربفرویی، کاظم و دانافر، عباسعلی(۱۳۹۱). مقایسه الگوهای یادگیری سازگار در مدارس مجری طرح ارزشیابی توصیفی و نظام سنتی. **فصلنامه علمی_ ترویجی راهبردهای آموزش**، ۱(۳): ۹۵ -۱۰۳.

حاج‌باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش(۱۳۹۴). روشهای تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری.

بهمن، بهاره؛ کیامنش، علیرضا و ابوالمعالی خدیجه(۱۳۹۲). مقایسه اضطراب مدرسه و مؤلفه های آن در دانش آموزان پایه دهارم در دو س

کرمعلیان، حسن؛ جعفری‌هرند، رضا و عبادی، سید حسین(۱۳۹۲). برر